

برچسب‌هایی که کنده نمی‌شوند!

تحلیلی بر روش‌های تشویقی رایج در مدارس با نگاهی به نامه‌ی یکی از خوانندگان

ابراهیم اصلانی

اشاره

نامه‌ی صمیمانه‌ی یکی از خوانندگان مجله، باعث نوشتن این مقاله شد. لیلا بزرگمهر، معاون آموزشی دبستان ۵ آذر از رامشیر خوزستان، در نامه‌اش از طرح «برچسب بگیر و جایزه ببر» که در کلاس دختر کلاس اولی‌اش اجرا می‌شود، صحبت کرده است. براساس این طرح، دانش‌آموزان به ازای هر کاری که معلم، خوب تلقی می‌کند، یک برچسب می‌گیرند. در پایان هر ماه، کسی که برچسب بیشتری گرفته است، جایزه‌ای دریافت می‌کند. خانم بزرگمهر نوشته است: «از وقتی که این طرح در کلاس اجرا شده است، دخترم دائم در فکر دریافت برچسب بیشتر است، به طوری که گاهی حتی فعالیت‌هایی بیشتر از حد انتظار انجام می‌دهد. کار به جایی رسیده است که وقتی برچسب نصیبش نمی‌شود، حاضر به رفتن به مدرسه نیست. برای رفع این مشکل از روش‌های گوناگون استفاده کرده‌ایم که نتیجه نداده است.»

استفاده از روش‌های تشویقی در مدارس ما جای بررسی و تحلیل دارد. در مقاله‌ی حاضر با نگاهی به نامه‌ی اشاره شده، نکاتی درباره‌ی روش‌های تشویقی رایج در مدارس بیان شده است.

ناکارآمد بدانیم. با این همه، می‌توان ثابت کرد که مدارس ایران در بیشتر موارد، رفتارگرایانه عمل می‌کنند از جمله در انگیزش! استفاده از کارت جایزه، برچسب، کمد جوایز و برگزاری انواع مراسم اهدای جایزه، چیزی غیر از رفتارگرایی نیست. اگر نکات اول و دوم را کنار هم قرار بدهیم به یک نتیجه می‌توانیم برسیم: «ضعف دانش تربیتی مدارس.»

وقتی در مدارس، انگیزش به‌طور عمده، به جایزه تعبیر و جایزه هم به کارت و برچسب خلاصه می‌شود، معنایش این است که درک علمی و واقع‌بینانه‌ای از انگیزش نداریم.

۳. مانند هر نظریه و دیدگاهی، نظریه‌ی رفتارگرایی هم وقتی وارد میدان عمل می‌شود برای خود اصول و روش‌هایی دارد. در مدارس ما این اصول و روش‌ها هم رعایت نمی‌شود. مدارس بر مبنای تصویری کلی و مبهم از

و کارت‌های امتیاز. یک نکته‌ی قابل توجه برای من درباره‌ی نامه‌ی این آموزگار، تنها بودن ایشان است! به راستی چرا والدین دیگر به چنین روش‌هایی در مدارس، اعتراض نمی‌کنند؟ شاید دلیل اساسی این است که آن‌ها جایزه را اصلی مسلم و بدیهی فرض می‌کنند. به تعبیر مناسب‌تر، بسیاری از والدین، معلمان و مدیران، اولاً پذیرفته‌اند که انگیزش امری ضروری است؛ و ثانياً انگیزش را در جایزه خلاصه کرده‌اند. بنابراین، برای همه پذیرفتنی است که در مدرسه، جوایز را برای ایجاد انگیزش به کار گرفته‌اند؛ حالا روش هر چه می‌خواهد باشد!

۲. اشاره به موضوع از زاویه‌ی رفتارگرایی و شناخت‌گرایی هم بد نیست. به هر دلیلی، در سال‌های اخیر مُد شده است که در برابر رفتارگرایی موضع بگیریم و روش‌های آن را

درباره‌ی موضوع «انگیزش» در مدارس ایران، سخنان بسیاری می‌توان گفت. نکاتی که در پی می‌آید تنها مروری بر آسیب‌شناسی انگیزش در مدارس است و می‌توان موارد دیگری بدان افزود:

۱. در مدارس کشور ما انگیزش با «جایزه» مترادف فرض می‌شود و به این ترتیب تمامی تلاش‌های انگیزشی معطوف به دادن جایزه است. به‌طور معمول، خرید و تدارک جایزه، تعیین جایزه بگیرها، مراسم جایزه‌دادن و مواردی از این قبیل، یکی از دغدغه‌های عمده‌ی مدارس است.

در چند دهه‌ی اخیر در جایزه دادن پیشرفت کرده و روش‌های جدیدی را وارد عمل ساخته‌ایم از جمله انواع برچسب‌ها، کمد جوایز، نصب اسامی و عکس نفرات برتر در قالب‌های گوناگون (درخت، قطار، کشتی و...)



تشویق و جایزه، به استفاده از غرفه‌ی جوایز و کارت و برچسب روی می‌آورند، بدون آن که بدانند روش درست چیست؟ چه مراحل باید پیش‌بینی و اجرا شود؟ و مهم‌تر از همه؛ هدف نهایی چه باید باشد؟

من بسیار دوست دارم تاریخچه‌ی ورود روش‌هایی چون غرفه‌ی جوایز و کارت جایزه را به مدارس ایران بدانم. این‌ها بر مبنای چه دانشی آمدند و چگونه رواج یافتند؟

ما که دانش‌آموز بودیم، علاوه بر تشویق‌های کلامی معلم، اوج تشویق زمانی بود که مدرسه جایزه‌ای بدهد. البته بعدها فهمیدیم که همان جایزه را هم پدر یا مادر خریده و مخفیانه به مدرسه داده است تا مثلاً احساس کنیم که از طرف مدرسه تشویق شده‌ایم!

شاید استفاده از روش‌های رفتارگرایانه به‌خصوص در مدارس ابتدایی به اوایل دهه‌ی ۵۰ شمسی باز گردد. این روش‌ها در دهه‌ها و سال‌های بعد هم ماند، بدون آن که به مبانی، اصول و روش‌ها توجه شود. در نگاهی عمیق‌تر، در مبانی و روش‌های انگیزشی ما در دهه‌های اخیر تغییر عمده‌ای رخ نداده است و همچنان معتقدیم که انگیزش یعنی جایزه، کارنامه، رقابت، تشویق سر صف ...

با تحلیل آن چه درباره‌ی انگیزش رخ می‌دهد، می‌توانیم بگوییم که مبنای اصلی انگیزش در مدارس‌ها همچنان رفتارگرایی است و این در حالی است که مدارس یا اصلاً با مبانی نظری موضوع آشنا نیستند و یا با نگاهی سطحی به آن، به استفاده‌ای ناقص و سلیقه‌ای روی می‌آورند.

آیا تا به حال فکر کرده‌اید که:

- چرا باید به هر کار مثبتی کارت جایزه یا برچسب داد؟
- آیا استفاده از کارت جایزه باید یکنواخت و مستمر باشد؟

- جمع کردن کارت‌های جایزه برای به‌دست آوردن امتیازی بیشتر، در چه مواردی کاربرد دارد؟

آشنایی با دیدگاه‌های جدید در ارتباط با انگیزش ترغیب کنید.

۲. موضوع تشویق و انگیزش را در شورای آموزگاران به بحث و نقد بگذارید. اگر می‌توانید، مدرسه را به بازنگری درباره‌ی مبانی، اصول و روش‌های انگیزش ترغیب کنید

۳. تلاش نکنید با بحث و توضیح به فرزندتان بقبولانید که لازم نیست همیشه اول باشد. به جای آن؛

- شما هم برای تحریک او خیلی دنبال جایزه و پاداش نروید.

- به تقویت انگیزه‌های درونی او بیشتر توجه کنید.

- فرزندتان را به رقابت وادار نکنید.
- از تلاش‌های مثبت و موفقیت‌هایش برای تحریک انگیزه‌ی پیشرفت استفاده کنید.

۴. تهدید فرزندتان به جابه‌جایی مدرسه و امثال آن به هیچ‌وجه کار درستی نیست و زمینه‌های مشکل را تشدید می‌کند.

۵. اگر با روش‌های انگیزشی مدرسه و معلم نمی‌توانید کنار بیایید، آخرین گزینه، تغییر کلاس یا مدرسه با روش معقول و به دور از احساسات است.

- حد و حدود جایزه چیست؟ آیا باید بچه‌ها به جایزه عادت کنند؟

- آیا به غیر از جایزه، کارنامه، رقابت و امثال آن، روش دیگری برای انگیزش وجود ندارد؟

۴. در بسیاری از مدارس ابتدایی ایران نوعی افراط‌گرایی ناشیانه در استفاده از روش‌های به ظاهر رفتارگرایانه دیده می‌شود. همین‌جا یادآوری می‌کنم که منظور از این حرف‌ها، نقد رفتارگرایی نیست. اگر از اصول و روش‌های رفتارگرایی هم درست استفاده شود، می‌تواند بسیار مؤثر باشد. مشکل ما اطلاع نداشتن از مبانی کار و یا ناشی‌گری در استفاده از آن است. با آن که در حال حاضر نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید و بسیار متفاوتی درباره‌ی انگیزش مطرح هستند، رفتارگرایی هم می‌تواند کاربردهای خاص خود را داشته باشد.

افراط در استفاده از کارت جایزه، برچسب، پازل برچسب، ترغیب به رقابت با روش‌های گوناگون، تشویق دانش‌آموزان به گرفتن امتیاز بیشتر و تأکید به نمره و کارنامه، گاهی نه فقط تشویق بر حساب نمی‌آید، بلکه مخرب و ضدانگیزش هم هست. یادآوری می‌کنم: «انگیزش فقط جایزه دادن نیست.»

و اما چند نکته به عنوان پاسخ برای نویسنده‌ی نامه و موارد مشابه

۱. با معلم فرزندتان درباره‌ی روش‌های تشویق و انگیزش به گفت‌وگوی دوستانه پردازید. می‌توانید با معرفی منابع، او را به

یک پیشنهاد از طرف دفتر مجله
این کتاب را بخوانید. اطمینان داریم در تغییر و اصلاح دیدگاه‌های انگیزشی شما مؤثر خواهد بود:

مدرسه‌ی بدون رقابت
تألیف: ابراهیم اصلانی، نشر دوران
(۰۲۱-۸۸۳۱۱۴۰۵)